من قلاده ی هَدی رسول الله صلی الله علیه و سلم را بافتم، سپس ایشان آن را با شکاف دادن کوهانش [برای جاری شدن خون] علامتگذاری کرد و قلاده را به گردن قربانی آویخت - یا من آویختم - سپس قربانی را به خانه ی خدا فرستاد و خود در مدینه باقی ماند و به سبب این کار محرم نشد تا چیزی بر او حرام شود.

عایشه رضی الله عنها می گوید: من قلاده ی هَدی رسول الله صلی الله علیه و سلم را بافتم، سپس ایشان آن را با شکاف دادن کوهانش [برای جاری شدن خون] علامتگذاری کرد و قلاده را به گردن قربانی آویخت - یا من آویختم - سپس قربانی را به خانه ی خدا فرستاد و خود در مدینه باقی ماند و به سبب این کار محرم نشد تا چیزی بر او حرام شود.
[صحیح است] [متفق علیه]

رسول الله صلی الله علیه وسلم بیت العتیق [خانه ی قدیمی و گرامی کعبه] را بزرگ شمرده و آن را مقدس می شمرد؛ چون نمی توانست خود را به خانه برساند، جهت تعظیم و کمک به همسایگانش، قربانی را به عنوان هدیه می فرستاد؛ و چون این قربانی که هدی نام دارد، فرستاده می شد، آن را علامتگذاری کرده و قلاده بر گردنش می کرد تا مردم بدانند این قربانی یا هدی، عازم بیت الحرام است و به این ترتیب آن را محترم شمرده و متعرض آن نشوند؛ عایشه رضی الله عنها در تاکید این خبر به این مساله اشاره می کند که وی قلاده های این قربانی را می بافته است؛ و چون رسول الله صلی الله علیه وسلم این هدی را می فرستاد - درحالی که در مدینه مقیم بود - از اموری که فرد محرم از آنها دوری می کند مانند زنان و استعمال خوشبویی و پوشیدن لباس خط دار و موارد مشابه، دوری نمی کرد؛ بلکه به احرام در نمی آمد تا همه چیز بر وی حلال باشد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3132